

بررسی خاستگاه مسائل اخلاق پژوهش در فرایند تدوین پایان‌نامه‌ها

سیدمحمد رضا حسینی دانشیار دانشگاه پیام نور

چکیده:

اخلاق پژوهش، شاخه‌ای از اخلاق کاربردی حرفه‌ای است که پژوهش و پژوهش‌گر را از آغاز تا انجام هدایت می‌کند، نگارنده این مقاله با بررسی خاستگاه مسائل اخلاق پژوهش در فرایند تدوین پایان‌نامه‌ها معتقد است: پژوهش، نیازمند پای بندی پژوهش‌گر به اصول، موازین و ارزش‌های اخلاقی است، تا پژوهش‌گر گرفتار بهره‌مندی از هر گونه ابزار غیراخلاقی - در جهت تدوین پایان‌نامه‌ها و رسیدن به اهداف مورد نظر خویش - و یا نتایج و دست‌آوردهای تحقیقات نااثواب و مخرب نشود.

با توجه با اهمیت اخلاق پژوهش در تدوین پایان‌نامه‌ها در عرصه‌های مختلف علوم، از نظرگاه انسانی و اسلامی، بایسته‌های اخلاقی همچون امانت‌داری، پرهیز از سرقت‌های علمی، پرهیز از کتمان حق، پرهیز از شتاب زدگی در پژوهش، موجبات رشد، توسعه و پویایی به ویژه مفید و کارآمد بودن پژوهش در حوزه هدف را به دنبال خواهد داشت. حضرت رسول الله ﷺ در اهمیت ساحت پژوهش و پژوهش‌گر چنین فرمود: «هرگاه مؤمن بمیرد و یک برگه که روی آن علمی نوشته شده باشد، از خود برجای گذارد، روز قیامت آن برگه، پرده میان او و آتش می‌شود و خداوند تبارک و تعالی به ازای هر حرفی که روی آن نوشته شده، شهری هفت برابر پهناورتر از دنیا به او می‌دهد». و این نشان از ارزش و ارجمندی پژوهش نزد آن حضرت است.

کلید واژه: اخلاق، پژوهش، تدوین، پایان‌نامه‌ها

مقدمه:

از آن جایی که پژوهش به منظوردست یافتن به راه‌های درست، اصولی صورت می‌پذیرد و موجبات توسعه و پیشرفت‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی یک کشور را فراهم می‌سازد، به ویژه اگر پژوهشی هدف مند و آینده‌نگر باشد، نقش مهمی در رشد و بالندگی پر شتاب، برای کشور به دنبال خواهد داشت. و نتیجه آن به طور مستقیم بر روی زندگی افراد جامعه تاثیر می‌گذارد، بدین جهت رعایت اخلاق پژوهشی یعنی عمل به مجموعه ای از بایدها و نبایدها های اخلاقی ضرورتی دو چندان پیدا می‌کند. از این رو بررسی و آسیب شناسی اخلاق پژوهش از ضروریات جامعه امروز ماست که بسیاری از کتاب ها، مقالات به ویژه پایان نامه های دانشجویی دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی کشور، گرفتار آفت بزرگی شده اند. که در این نوشته به برخی از آن ها اشاره می‌شود. و راه حل آن در گرو حرکت منسجم مجموعه ای از دست اندر کاران این حوزه، اعم از دانشگاه، دانشکده، گروه های علمی، استاد مشاور، راهنما و داور و خود دانشجوی می‌باشد. این عزم از ضروریات جامعه علمی کشور ماست تا این آثار نیز عنوان تولید و ایده های علمی یابند.

مفهوم شناسی اخلاق

اخلاق جمع خُلُق عبارت از صورت باطنی است. اخلاق به معنای هیأت را سخ در نفس است که افعال از آن به سهولت صادر شود. (شیر، عبدالله، ۱۴۱۲: ۲۵).

اخلاق در لغت

اخلاق به لحاظ لغوی جمع «خُلُق» بر وزن (فُلُق) و «خُلُق» بر وزن (أفُق) می‌باشد. و آن را با واژه «خَلَق» هم ریشه دانسته و معانی متفاوت برای آن ذکر کردند که عبارتند از: سجیه، هروت، طبع، عادت، دین، تقدیر و اندازه شیء، و صفت و حالت نفسانی (الزبیدی: ۶/ ۳۳۷؛ ابن منظور: ۴/ ۱۹۴؛ اسماعیل بن حماد الجوهری: ۴/ ۱۴۷۱). و واژه خُلُق و خُلُق به معنای «خوی» و «سرشت» است چنان که گفته اند: «الخُلُق بِضَمَّتَيْنِ السَّجِيه» خلق با دو ضمّه به معنی سرشت است. (فیومی، ۱۳۸۳: ۸۸). واژه خَلَق به معنی هیئت و شکل و صورتی است که انسان با چشم می‌بیند. بنا براین اخلاق در لغت به معنای طبیعت و سرشت است.

اخلاق در اصطلاح

مرحوم فیض کاشانی در تعریف اخلاق می گوید: «بدان که خوی عبادت است از هیئت استوار با نفس که افعال به آسانی و بدون نیاز به فکر و اندیشه از آن صادر می شود». (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۳۷۸: ۵۴؛ بی تا: ۵/۹۵).

برخی معتقدند: «خُلُق همان حالت نفسانی است که از سان را به انجام کارهایی دعوت می کند بی آن که نیاز به تفکر و اندیشه داشته باشد». (مسکویه، ۱۳۷۵: ۵۸-۵۷).

خواجeh نصیرالدین طوسی علم اخلاق را علم چگونگی اکتساب اخلاق نیکو می داند که براساس آن، افعال و احوال شخص نیکو می شود؛ از این رو، در تعریف اخلاق می گوید: «علمی است به آن که نفس انسانی چگونه خلقی اکتساب تواند کرد که جملهگی احوال و افعال که با اراده او از او صادر شود، جمیل و محمود بود». (طوسی، بی تا: ۱۴).

نراقی در تعریف علم اخلاق می گوید: «علم اخلاق دانش صفات مهله که و منجیه و چگونگی موصوف شدن و متخلق گردیدن به صفات نجات بخش و رها شدن از صفات هلاک کننده می باشد». (نراقی، ۱۳۶۸: ۱/۳۵-۳۴).

به نظر می رسد که تعریف نراقی از علم اخلاق، جامع ترین تعریف از تعریف هایی است که از سوی علمای اخلاق درباره علم اخلاق ارائه شده است.

علاوه طباطبائی نیز تعریفی مشابه تعریف نراقی از علم اخلاق ارائه داده که می گوید: «اما اخلاق علمی است که در آن از ملکات انسانی مربوط به قوای نباتی، حیوانی و انسانی بحث می شود. در این علم، شناخت ملکات فاضله از رذایل، مورد بحث قرار می گیرد، تا به واسطه آن، آدمی خود را به ملکات فاضله بیاراید و به این وسیله از او افعالی سرزند که موجب نیل به سعادت اخروی گردد». (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱/۳۶۸).

همچنان که پیدا است، در دو تعریف آخر، روش از بین بردن اخلاقیات ناپسند و کیفیت به دست آوردن صفات و ملکات خوب و زیبا، جزئی از علم اخلاق شمرده شده است.

برخی دیگر اخلاق را چنین تعریف کرده اند: «ا اخلاق، مجموعه ای از معانی و ویژگی های مستقر و ثابت در نهاد انسان است که در پرتو آن، رفتار در نظرش نیک یا زشت نشان داده می

شود و از این رو، فرد یا به انجام آن اقدام می نماید یا از انجام آن خودداری می ورزد». (زیدان، ۱۹۷۵: ۷۵).

در تعریف دیگری - با کمی تفاوت - آمده است: «ا خلاق مجموعه ای از اصول و ارزش هایی است که رفتار انسان را تنظیم می نماید، و تعالیم و حی آن ها را تعیین فرموده و جهت تحقق هدف وجود انسان در کره خاکی، اصول و ضوابطی را برای آن ها قرار داده است». (عبدالحمید، ۱۹۹۰: ۸۵).

برخی از فیلسوفان و دانشمندان غربی - که علم اخلاق را مربوط به رفتار آدمی دانسته و نه سجایای اخلاقی - می گویند: «علم اخلاق عبارت است از تحقیق در رفتار آدمی، بدان گونه که باید باشد». (ژکس، ۱۳۵۶: ۹). بر این اساس، اخلاق همان حالت نفسانی و به دست آوردن ملکات انسانی و آراستن نفس به خُلق‌های پسندیده است.

اگر چه می توان "ا خلاق" را به تبع آثارش نیز می توان تعریف کرد، بدین صورت که گاه فعلی که از انسان سر می زند، شکل مستمری ندارد، ولی باید دانست هنگامی که کاری به طور مستمر از کسی سر می زند، مانند امساک در بذل و بخشش و کمک به دیگران، به این دلیل که ریشه درونی و باطنی در اعماق جان و روح او دارد، آن را اخلاق می نامند.

اخلاق حرفه ای

مجموعه ای از بایدها و نبایدهایی که بایسته است صاحبان حرفه ها خود را ملزم به رعایت آن ها کنند. در واقع نوعی مسئولیت پذیری در رفتار ارتباطی فردی و اجتماعی است که به حسب موارد حرفه، متفاوت و تنوع می باشد؛ از این رو مسئولیت فرد در زندگی شخصی، اخلاق شخصی، و مسئولیت فرد در زندگی شغلی، اخلاق کار، و مسئولیت پژوهش گر و سازمان پژوهشی، اخلاق پژوهشی است.

برخی اخلاق حرفه ای را چنین تعریف کرده اند: «این اخلاق، دربرگیرنده مجموعه ای از احکام ارزشی، تکالیف رفتار و سلوک و دستورهایی برای اجرای آن هاست». (ژکس: ۹۲).

برخی دیگر نیز گفته اند: «اخلاق حرفه ای، به منزله شاخه ای از دانش اخلاق به بررسی تکالیف اخلاقی در یک حرفه و مسائل اخلاقی آن می پردازد و در تعریف حرفه، آن را فعالیت معینی می دانند که موجب هدایت فرد به موقعیت تعیین شده همراه با اخلاق خاص است». (قراملکی: ۱۳۷). مثلاً در اخلاق پزشکی

یکی از قدیمی‌ترین نمونه‌های اخلاق حرفه‌ای پزشکی، سوگندنامه بقراط است که امروزه نیز پزشکان برای تعهد به آن، سوگند یاد می‌کنند.

مفهوم پژوهش

درباره پژوهش - اعم از بنیادی که نتیجه‌گراست و یا کاربردی که تصمیم‌گراست، بر اساس مطالعات اکتشافی و یا توصیفی و یا تحلیلی که باشد - تعاریف متعددی ارائه شده است.

برخی گفته اند: «اگر پژوهش را متمایز از مطالعات پراکنده، به فرایند پردازش اطلاعات اطلاق کنیم که به گستره خاصی از علوم متعلق و دارای هویت جمعی است، مفهوم فراگیر از آن را به دست می‌آوریم، به گونه‌ای که شامل هر گونه مطالعه با جهت‌گیری‌های مختلف آموزشی، اطلاع‌رسانی، ترویجی و پژوهشی (به معنای خاص) می‌گردد». (قراملکی، ۱۳۸۰: ۴۵۲۲).

از نظر عده‌ای دیگر از پژوهش گران: «پژوهش از نظر لغوی به معنای تحقیق است که الفاظ، کاوش، جست و جو و جستار نیز در زبان فارسی، مترادف با آن هستند. اما معنای اصطلاحی پژوهش عبارت است از: تلاش فکری منظم، روشمند و پرسش‌محور، برای یافتن پاسخ و دست‌یابی به حقیقت است که بر مبنای استدلال عالمانه و شواهد و منابع متعدد و معتبر انجام می‌گیرد تا نظر حق اثبات و نظر باطل نفی گردد». (مهدی زاده، ۱۳۸۸: ۲۶).

بعضی دیگر در تعریف پژوهش گفته اند: «پژوهش عبارت است از آزمودن فرضیاتی در مورد ارتباط احتمالی پدیده‌های طبیعی که به روشی نظام‌مند، کنترل‌شده، تجربی و دقیق انجام می‌شود». (خنیفر، شماره دوم، ۱۳۹۰: ۸۵ - ۱۰۴).

به زبانی ساده‌تر، اخلاق نوعی هنر است، هنر انجام رفتارهای آزاد و مبتنی بر خرد. (زاگال، ۱۳۸۶: ۴۲). در اخلاق حرفه‌ای هر قدر موضوع مهم باشد، گستره اخلاق در آن حرفه هم از ارزش و اهمیت بیشتری برخوردار و پر سر و صدا دارتر خواهد بود و اخلاق پژوهش از این دست اخلاق هاست؛ از این رو، درباره اخلاق پژوهش می‌توان چنین ادعا کرد که، یکی از پر مناقشه‌ترین و جدی‌ترین شاخه‌های اخلاق کاربردی به شمار می‌رود.

مفهوم شناسی اخلاق پژوهش

اخلاق پژوهش، متشکل از دو مفهوم اخلاق و پژوهش است که شناخت دقیق آن، مرهون تبیین درست آن است.

برخی از اخلاق پژوهش با اخلاق نگارش پیاد می‌کنند که شاید به معنای انعکاس نتیجه و حاصل پژوهش باشد.

قدما، علم اخلاق را آموزگار خوی‌های نیکو دانسته‌اند. (یحیی بن عدی، ۱۳۶۵: ۵).

امروزه نیز تلقی خوبی از اخلاق در حرفه‌ها وجود دارد. در واقع اخلاق را الگوی خاصی از رفتار ارتباطی فردی و اجتماعی می‌دانند.

در جمع بندی این بخش از مطالب ارائه شده، می‌توان گفت: پژوهش، جستاری عمیق و مطالعه‌ای نظام‌مند، و کنترل‌شده درباره یک یا چند قضیه فرضی، در زمینه روابط احتمالی میان پدیده‌ها، با هدف کشف واقعیت‌های برای رسیدن به راه‌حل‌های قابل اطمینان از طریق گردآوری، تحلیل و تفسیر داده‌هاست.

امانت‌داری

امانت‌داری ضرورت اجتناب ناپذیر زندگی اجتماعی در هر عصر و مکان است. و عدم رعایت آن از سوی افراد یک جامعه اگر به صورت فراگیر درآید، قطعاً موجبات فروپاشی نظام اجتماعی آن جامعه را بدنبال خواهد داشت. زیرا اساس زندگی اجتماعی هر جامعه‌ای بر پایه اعتماد افراد آن جامعه به یکدیگر شکل می‌گیرد. بدین جهت امانت‌داری از دیدگاه اسلام از چنان اهمیتی برخوردار است که دارد که گفته شده است: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ.» (ری شهری، ۱۳۷۵: ۱/۳۴۶، ح ۱۵۰۲).

در کنار صداقت، این به عنوان یکی از بهترین راه‌های شناخت انسان‌های مؤمن از غیر مؤمن معرفی شده است. «لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ، وَكَثْرَةِ حَجِّهِ وَالمَعْرُوفِ. وَطَنْطِنْتِهِمْ بِاللَّيْلِ، وَ لَكِنْ انظُرُوا إِلَى صَدَقِ الحَدِيثِ وَ اداءِ الامَانَةِ.» (همان: ۱/۳۴۴، ح ۱۴۹۰).

امام صادق^ع فرمود: «خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد، مگر این که راست‌گویی و اداء امانت نسبت به نیکوکار و بدکار جزو تعلیمات او بود.» (کلینی: ۱۰۴/۲).

هم چنین فرمود: «نگاه به رکوع و سجود طولانی افراد نکنید (و تنها آن را نشانه دیانت آن‌ها ندانید!)»

چرا که این چیزی است که ممکن است به آن، عادت کرده باشد، و هرگاه آن را ترک کند، نگران می‌شود ولی نگاه به راست‌گویی و امانت‌داری آن‌ها کنید.» (همان: ۱۰۵/۲).

امانت داری در پژوهش و تألیف نیز رکن مهمی از ارکان حیات علمی و تحقیقی یک جامعه را تشکیل می‌دهد. هر نویسنده‌ای اخلاقاً موظف است هر مطلبی را که از کسی نقل می‌کند، حتی اگر نقل به معنا باشد، منبع آن را دقیقاً ذکر کند. اهمیت این مطلب در تحقیقاتی که بر پایه نقل استوارند، مانند تحقیقات تاریخی، دو چندان می‌شود. اصولاً جوهره اصلی چنین تحقیقاتی، امانت داری در نقل است. اگر در چنین پژوهش‌ها و تألیفاتی امانت در نقل رعایت نشود، هیچ ارزشی نخواهند داشت. (ر.ک. حکیمی، بی تا: ۲۱۵).

امانت داری در امر پژوهش اقتضا می‌کند که در نقد یا استناد به سخن دیگران، از نقل تقطیعی پرهیزیم. برای نقد و یا استناد به سخن یک اندیشمند، باید همه سخن او را با دقت و امانت مطالعه کرد و استناد به او باید در همان حد و اندازه‌ای باشد که ادعا کرده است، نه بیش از آن و نه کمتر از آن. اصل امانت داری، رعایت حق مالکیت فکری در برخورداری از اطلاعات به دست آمده، یکی از مصادیق امانت داری است. حفظ منابع و ابزارهای تحقیق نیز مصداق دیگر آن است که در تحقیقات معطوف به احیاء میراث مکتوب اهمیت فراوانی دارد. به تعبیر تمثیلی بیکن (۱۵۶۱-۱۶۲۶ م.): «محققان یا مورچگانند یا عنکبوتان و یا زنبوران عسل» البته باید به قسم چهارمی نیز اشاره کرد که ضمن سرقت از سفره تحقیقات دیگران، پژوهش را آلوده می‌سازند.

به تعبیر زرین کوب: «محقق را هیچ آفتی از این بدتر نیست که به سرقت و انتحال کار دیگران عادت کند». (زرین کوب: ۱۳۷۱).

بنا بر این از مهم‌ترین مسائل در بحث اخلاق پژوهش، اصل امانت داری علمی است. امانت داری علمی معنی گسترده‌ای دارد، اما به صورت کلی به این معناست که من به عنوان محقق از مجموعه اطلاعات و منابع و داده‌هایی که از دیگران برای کار خود می‌گیرم، محافظت کنم و آن‌ها را به عنوان امانت‌هایی در نظر بگیرم که لازم است به وقتش به صاحبان آن‌ها بر گردانم.

پرهیز از سرقت علمی

یکی دیگر از آفات بزرگ اخلاقی پژوهش و از نکات ناشایست اخلاقی در پژوهش، سرقت علمی است. محقق با اخلاق هیچ‌گاه مطالب دیگران را به اسم خود منتشر نمی‌کند و حقوق فکری و معنوی افراد دیگر را محترم می‌شمارد.

سرقت علمی یا همان Plagiarism را می توان قالب های مختلف تعریف کرد. از جمله: نقل قول مستقیم، نقل قول غیرمستقیم، بازنویسی، خلاصه نویسی و خرید کتاب، مقاله و یا پایان نامه.

نقل قول مستقیم: یعنی فرد به صورت مستقیم آثار مکتوب دیگران را رونویسی کند و سند آن را ذکر نکند. و در آن آیین نگارش هم چون گیوه و یا اگر متن بیش یک سطر بود چپ چین یعنی تورفتگی متن دیگران از متن اصلی را رعایت نکند.

نقل قول غیرمستقیم: یعنی هنگامی که فرد آثار مکتوب دیگران که نظریه علمی است را با کلمات خود بیان می کند و هیچ اشاره ای به سند آن نمی کند. در حالی که سند آن را می بایستی با علامت: ر. ک، مشخص کند.

بازنویسی کردن: یعنی فرد مطلب و نظریه دیگران با کلمات خود، بازنویسی مجدد می کند. و هیچ اشاره ای هم به منبع و یا سند آن نمی کند.

خلاصه نویسی: یعنی فرد مطلب و نظریه دیگران را فقط کوتاه می کند اگر سند آن را بیان نکند قطعاً سرقت علمی است و اگر سند آن را ذکر کند و خلاصه نویسی آن متن به اصل متن آسیب برساند تصرف و به نوعی آن هم سرقت است.

خرید کتاب، مقاله و یا پایان نامه: بی تردید خرید کتاب، مقاله و یا پایان نامه از دیگران و به نام خود ثبت کردن نیز نوعی سرقت علمی به شمار می آید؛ زیرا نسبت دادن متن دیگران به خریدار خرید کتاب، مقاله و یا پایان نامه دروغ است. در واقع با دادن پول آثار دیگران را به نام شخص که صاحب آن علم نیست سرقت علمی است.

شاید بسیاری با مصداق سرقت علمی آشنایی نداشته باشند و لذا اگر بدانند مثلاً خلاصه نویسی از متن دیگران نوعی سرقت علمی محسوب می شود، حتماً این کار را نخواهند کرد و یا منبع و سند آن را حتماً ذکر خواهند کرد.

موضوع سرقت علمی در جهان سابقه ای دراز دارد و این معضل اختصاصاً به کشورهای و یا کشورهای جهان سوم اختصاص ندارد، بلکه بسیاری از کشورهای گرفتار این معضل هستند و در آن کشورها اتفاق افتاد، اگر چه ملی زمینه ها آن مختلف است. در کشورهای پیشرفته که تولید علمی آنان بیشتر است سرقت های علمی در آن جا نیز بیشتر است. سرقت علمی منحصر

به آثار مکتوب نیست، بلکه آثار شفایی و طرح های تحقیقاتی و ایده های کلان را نیز شامل می شود. در روزگاران گذشته نیز متأسفانه افراد بسیاری بوده اند که حاصل زحمات علمی دیگران اعم از ایده و یا آثار مکتوب و یا شفا هی را، بدون آن که نامی از صاحب اثر بیاورد، آن اثر به نام خود منتشر می کردند. نه تنها صفحه هایی از کتاب یا رساله های کوتاه را سرقت می کردند و به خود نسبت می دادند، بلکه رساله های کوتاه و حتی کتاب دیگران را به خود منسوب و به نام خود ثبت و منتشر می کردند؛ از این رو، در عرصه بین المللی، حقوقی را برای صاحبان آثار و تولید کنندگان به عنوان حق نشر، حق تکثیر یا کپی رایت، قائل شدند و برای صیانت از آن، و برخورد با سارقین علمی و پیش گیری از سرقت های علمی و آثار پدیدآورندگان در کشورها از جمله کشور ما و در عرصه بین المللی قوانینی وضع کردند و در این راستا، قانون کپی رایت را به صورت قانون بین المللی حاکم بر همه کشورها به تصویب رسید که به آن حقوق اخلاقی یا حقوق معنوی و یا مالکیت فکری نیز گفته می شود.

حق نشر یا همان **copyright** مجموعه ای از قوانینی است که نوعی حفاظت قانونی از آثار چاپ شده و چاپ نشده ادبی، علمی و هنری را به عهده دارد. این آثار به هر صورت که عرضه شده باشند، در حالی که دارای ماهیتی قابل درک باشند - یعنی دیده، شنیده یا لمس شوند، شامل این حمایت خواهند بود. قانون کپی رایت به خالق اثر اجازه می دهد تا از حقوق انحصاری تکثیر، اقتباس در شیوه بیان نو، پخش و نمایش عمومی اثر استفاده کند. انحصاری به این معنا است که به غیر از خالق اثر، هیچ شخص دیگری حق تکثیر، نشر و الگوبرداری از آن اثر را بدون اجازه از خالق و ناشر آن اثر ندارد. در صورتی که شخصی حقوق خالق و ناشر را رعایت نکند، سارق اثر شناخته شده و پیگرد قانونی خواهد شد.

در بعضی از حوزه های قضایی، از آن به عنوان حقوق اخلاقی، حقوق معنوی و یا مالکیت فکری پدیدآورندگان یاد شده و به رسمیت می شناسند. و همانند بسیاری از کشورها در برابرش عکس العمل نشان می دهند.

شاید علت عکس العمل جهانی برای دفاع از حقوق معنوی و یا مالکیت فکری و ایجاد قوانین شدید بازدارنده تجاوز به آن و پیش گیری از سرقت های علمی و حقوق معنوی و یا مالکیت فکری، به دلیل زیر باشد:

۱. پیدایش فرهنگ روزافزون فناوری، امکان تکثیر آثار گوناگون پدیدآورندگان در تعداد بالا و مدت کوتاه.
 ۲. تضییع حقوق افراد بسیاری به هر کدام به نوعی در تولید، تکثیر و توزیع این آثار دارای حقوقی هستند.
 ۳. پیدایش فرهنگ غلط نادیده گرفتن حقوق معنوی و یا مالکیت فکری دیگران و انجام سرقت.
- ایران نیز در این خصوص، مجموعه ای از قوانین را تهیه و به تصویب رسانید که بر اساس آن حق تکثیر مربوط به قانون ثبت علائم تجاری - م صوب ۱۳۰۴ - تأیید، و قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان به عنوان بدنه اصلی حق تکثیر - م صوب ۱۳۴۸ - تثبیت، و نیز قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی - م صوب ۱۳۵۲ - تقویت شده و در ادامه قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای سال ۱۳۷۹، به تصویب رسید.
- همچنین، ایران در سال ۲۰۰۱ میلادی عضو سازمان جهانی مالکیت فکری شد و در سال ۱۳۹۰ پیش نویس لایحه جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به دولت ایران تقدیم شد که در صورت تصویب، جایگزین قوانین فعلی حق تکثیر ایران خواهد شد.
- سرقت علمی در سطوح مختلفی وجود دارد. در سطح مدارس به عنوان تقلب مطرح است و در سطح بالاتر و تحصیلات تکمیلی، سرقت علمی گفته می شود.
- راه کارهای جدی برای جلوگیری از سرقت علمی وجود دارد، از جمله آن می توان به موارد زیر اشاره کرد.
۱. بالا بردن سطح آگاهی مردم در جلوگیری از سرقت های علمی موثر است.
 ۲. دقت بالای داوران علمی مقالات و پایان نامه ها.
 ۳. حساسیت و دقت استاد راهنما و مشاور و توجیه مضرات سرقت علمی دانشجویان.
 ۴. اندیشیدن تدابیر لازم از سوی دانشگاه ها، دانشکده ها و گروه های علمی برای جلوگیری از سرقت علمی و ایجاد موانع سرقت علمی و سوق دانشجویان به سمت پژوهشی عالمانه.
 ۵. شناسایی راهکارهای مبارزه جدی با سرقت علمی.

اصل بی طرفی در پژوهش

محقق و پژوهش گر هنگامی که وارد پروسه تحقیق شد می بایستی فارغ از تعصبات قومی، مذهبی و ملیتی، متمرکز بر تحقیق شود. و نباید خواسته‌های قومی، مذهبی، شخصی یا گروهی و ... خود را به عنوان پیش فرض تحقیق و پژوهش خود قرار دهد، بنابراین باید از حب‌ها و بغض‌های شخصی و گروهی، قومی و مذهبی خوداری کند. تا در تحقیقات علمی، از رسیدن به حقیقت باز نماند. زیرا شرط اصلی درک و کشف حقیقت، نداشتن حب و بغض است، به عبارتی دیگر دوستی‌ها و دشمنی‌ها می‌توانند نگاه‌ها را تغییر داده و اندیشه‌ها را از مسیر اصلی منحرف کند.

به عبارتی دیگر پژوهش گر می بایستی اصل «بی طرفی» را در تحقیق مورد توجه قرار دهد. او هرگز نباید به خود اجازه دهد که دیدگاه‌ها، خواسته‌ها و اغراض شخصی یا صنفی و حتی قومی و مذهبی خود را بر موضوع تحقیق تحمیل کند. کسانی که باورها و دیدگاه‌های خود را بر منابع تحقیقی تحمیل می‌کنند، هم خود و مخاطبان‌شان را به گمراهی و انحراف می‌کشاند، قطعاً تحقیق آنان نادرست ارائه خواهد شد. بلکه می بایستی خود را تابع نتیجه تحقیق خود بدانند. و به هرآنچه که نتیجه تحقیق است، پایبند باشند. نه آنکه حاصل تحقیق خود را تابع امیال خود گردانند.

برای مثال، در تحقیق موضوع تاریخی، محقق می بایستی منابع معتبر تاریخی را مورد مطالعه قرار داده و پیرامون موضوع، تحقیقاتی عمیق داشته باشد تا به نظریه‌ای درست دست پیدا کند. نه آنکه پیش از مطالعه منابع تاریخی، نظر خود را مشخص کرده و منابع و مستندات برای آن نظریه بسازد و یا مستندات را آن گونه که می‌خواهد معنا و تفسیر کند. متأسفانه این اتفاق در تاریخ اسلام افتاد. و آن این که یکی از مهم‌ترین دلایل اختلاف بر سر مسئله «امامت» پس از پیامبر اکرم (ص)، همین بود که افرادی نمی‌خواستند بدون پیش فرض و بدون باورهای از پیش طراحی شده و به دور از تعصبات قومی و قبیله‌ای به سراغ مطالعه منابع تاریخی و مستندات روایی «امامت» بروند و چون امکان از کار مستندات روایی این مسئله را ندارند، می‌کوشند تا متون تاریخی و منابع حدیثی را بر اساس امیال و اهداف شخصی و مذهبی خود تفسیر و حتی تحریف نمایند. و احادیث مجعوله تاریخی بسازند.

ماهیت بی طرفی در امور قضایی که از وظایف قاضی بر شمرده شده است، با پژوهش گر یکسان است؛ زیرا هر دو می بایستی در تحقیق و نتیجه گیری و صدور حکم بی طرف باشند. از این رو، اصل بی طرفی در اصطلاح حقوقی یعنی قاضی در طول رسیدگی پرونده طرفین دعوا، باید در تحقیقات و رفتار خود با طرف های دعوا، کاملاً بی طرفی را رعایت نموده و از رفتار های شبهه انگیز و از اقداماتی که برخلاف حق بوده که موجب تقویت و ضعف یک طرف یا تضعیف موقعیت طرف دیگر شود، شدیداً بپرهیزد. بدین جهت اصل بی طرفی در دادرسی، یکی از اصول و مؤلفه های اساسی آئین دادرسی است. و عدم رعایت آن، خود جرم محسوب می شود.

پرهیز از کتمان حق

حق محوری از وظایف پژوهش گر است. از این رو نباید حقایق و مسائل واقعی را که نتیجه تحقیق و نیاز جامعه است را کتمان کرده و آن را بیان نکنند. زیرا کتمان نتیجه تحقیق، نقض غرض است و با فلسفه و هدف تحقیق در تعارض است. بدین جهت پیامبر اسلام (ص) فرمود: « هر گاه از دانشمندی چیزی را که می دانند سؤال کنند و او کتمان نماید روز قیامت افساری از آتش بر دهان او می زنند». (مجله سی: ۵۷ / ۳۰۱). زیرا او بخشی از عمرش را برای تحقیق موضوعی قرا داده و به نتیجه ای رسیده است. در برابر تلف کردن عمر پارسا گوشت. بنا بر این، نمی تواند از کنار آن به راحتی عبور کند. امام علی (ع) ۱۸ نفر را بدترین افراد و مورد لعن و نفرین خداوند می داند. در حدیثی از آن حضرت پرسیدند: بدترین خلق خدا بعد از ابلیس و فرعون ... کیست؟ امام در پاسخ فرمود: « دانشمندان فاسدند که باطل را اظهار و حق را کتمان می کنند و همان ها هستند که خداوند بزرگ درباره آن ها فرموده: لعن خدا و لعن همه لعنت کنندگان بر آن ها خواهد بود...» (همان: ۲ / ۸۸).

هنگامی که به ارسطو اعتراض شد که چرا به استاد خود - افلاطون - بی احترامی کرده و حرمت او را زنگنه داشته و دیدگاه های او را به نقد کشانده و در رد آن ها سخن می گوید، در پاسخ حکیمانه و ارز شمند گفت: « افلاطون را دوست دارم، اما به حقیقت بیش از افلاطون علاقه دارم». (فروغی: ۳۱).

البته عالمان از نقد عالمانه شاگردانشان یا دیگر افراد بر نظریه ها و دیدگاه های خود نه تنها ناراحت نمی شدند، بلکه بسیار خوشحال و خرسند می شدند. و شاگردان را به سمت نقد دیدگاه

خود سوق می دادند و آن را نشان توان علمی شاگرد می دانند و این مهم، هم چنان سیره علمای بزرگ کنونی نیز می باشد. بنابراین وظیفه اخلاقی پژوهش گر کشف حقیقت، حقیقت جویی در پژوهش و عدم کتمان نتیجه تحقیق است.

پرهیز از شتاب زدگی

بی تردید شتاب زدگی از آفات بزرگ پژوهش های علمی است. از این رو آسیب های فراوانی دارد؛ کمترین آفت شتاب زدگی و عجله در تحقیق عبارت اند از:

۱. عدم درک درست از موضوع یا مساله؛

بدون شک، درک درست از موضوع یا مساله در پژوهش، یک ضرورت اجتناب ناپذیر است. و اساساً بدون درک موضوع، پژوهش گر هرگز قادر به تحقیق نیست. به همین جهت پژوهش گران از لحاظ اخلاقی شایسته است از شتاب زدگی و عجله در تحقیق شدیداً پرهیز کنند.

۲. عدم امکان نگاه همه جانبه در اطراف موضوع پژوهش؛

به طور قطع، نگاه همه جانبه و اندیشیدن پیرامون موضوع پژوهش و صبر و بردباری، لازمه پژوهش است. از آنجایی که پژوهش می بایستی جامعیت داشته باشد نگاه جامع و کامل پیرامون پژوهش بایسته ای ضروری و اجتناب ناپذیر است. چنین پژوهش گری می تواند به موفقیت دست یابد. بنابراین، پژوهش گر دقیق و عمیق هرگز نباید توقع داشته باشد تا به هر قیمتی در مدت زمان معینی و کوتاه، پژوهش خود را به انجام برساند.

۳. عدم امکان دستیابی به نتیجه علمی و درست؛

پژوهش بدون صبر و بردباری، منتج به نتیجه درستی نخواهد شد. در واقع از هدف پژوهش که دست یافتن به نتیجه ای درست است باز می ماند.

۴. خیانت به علم و جامعه علمی؛

از آنجایی که اجرای نتیجه نادرست یک پژوهش منجر به انحراف جامعه از مسیر شد، تعالی و تکامل مادی و معنوی می گردد، خیانتی نابخشودنی است. نمونه های فراوان از این دست پژوهش که خیانت به علم و جامعه علمی و مردم شده است در صفحات تاریخ وجود دارد. که تاریخ از وجود آن در پیکرش رنج می برد.

۵. شتاب زدگی در پژوهشی به نوعی نهادینه کردن راه های نادرست پژوهش به دیگران؛

انجام پژوهش شتابزده به نوعی نهادینه کردن راه های نادرست پژوهش به دیگران است؛ زیرا نهادینه شدن شتابزدگی در پژوهش، نه تنها به پژوهش مورد نظر آسیب می رساند، بلکه اصل پژوهش یعنی حوزه پژوهش آسیب جدی وارد می کند.

پیامبر اسلام و ائمه اطهار³ نیز شتابزدگی و عجله را نکوهش کردند. در همین راستا پیامبر اعظم⁹ در تبیین بسیار دقیق پرهیز از شتاب زدگی فرمود: «إِيَّاكَ وَالْعَجَلَةَ فَإِنَّكَ إِنْ عَجَلْتَ أَخْطَأْتَ حَطَّكَ؛ از عجله پرهیز، زیرا هرگاه عجله کنی نصیب و بهره خود را از دست خواهی داد». (مسعود، ۱۳۷۶: ۲۵۵).

رسول خدا⁹ در جای دیگر در این خصوص می فرماید: «الآنَاءُ مِنَ اللَّهِ وَالْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ؛ تَأْتِي وَخَوِشْتَن دَارِي از سوی خداست و عجله و شتاب از شیطان است». (مجلسی: ۳۴۰/۶۸).

امیرالمومنین⁸ در یک آسیب شناسی دقیق از عجله در کارها فرمود: «مَعَ الْعَجَلِ يَكْثُرُ الزَّلَلُ؛ لغزش های انسان با عجله افزایش می یابد». لغزش های انسان با عجله افزایش می یابد. (غرر الحکم: ح ۹۷۴۰)

نتیجه

در جمع بندی نهایی، می توان گفت: همان گونه که تحقیق و پژوهش از روزگاران بسیار دور وجود داشت و بشر همواره به دنبال پژوهش های نوآمد بود، و رشد و شکوفایی فرهنگ و تمدن بشری گواه نوآمد بودن پژوهش های بشری از آن عصر تا به امروز است. آسیب های آن هم از همان زمان پدیدار شد که آثار مخرب آن موجب شد هر چه به این زمان نزدیک تر می شود، آسیب ها جدی تر و زیانش بیشتر و شدیدتر گردد؛ این امر موجب شد تا از سوی عده ای از دانشمندان به اخلاق پژوهش و مجموعه ای از باید ها و نباید های اخلاقی توجه ویژه ای بشود. اگر چه باید ها و نباید های اخلاقی پژوهش پیش گفته شده و رعایت یک و یک آن ها، ضمن این که مورد توجه معصومین ۱۰٪ است از مستقلات عقلایه به شمار می آید و عقل بشری در کنار حکم شرعی، پژوهش گر را ملزم به رعایت آن می کند. زیرا عدم رعایت اخلاق پژوهش، آسیب هایی همچون:

موجبات فروپاشی نظام اجتماعی آن جامعه را به دنبال خواهد داشت؛ خیانت به علم و جامعه علمی و مردم؛ امکان دست رسی به نتیجه علمی و درست و وجود نخواهد داشت؛ پیدایش و نهادینه شدن فرهنگ غلط تضییع حقوق معنوی و یا مالکیت فکری دیگران و انجام سرقت شکل می گیرد؛ موجبات گمراه سازی و به انحراف کشاندن خود و مخاطبان را فراهم می سازد؛ امکان

نگاه همه جانبه در ا طرف موضوع پژوهش را غیر مکن می سازد؛ و بلاخره امکان دست رسی به نتیجه علمی و درست را غیر حاصل می کند. بدین جهت توجه به اخلاق پژوهش از نظر هر خردمند، امر شایسته و بایسته است.

منابع:

قرآن

۱. ابن عدی یحیی، تهذیب الاخلاق، مقدمه و تصحیح دکتر محمود میردامادی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۵.
۲. ابن منظور، لسان العرب، چاپ اول: بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶.
۳. پوپر، کارل ریموند، اسطوره چارچوب، دفاع از علم و عقلانیت، ترجمه علی پایا، تهران، طرح نو، ۱۳۷۹.
۴. پینکافس، از مسأله محوری تا فضیلت گرایی، مقدمه، ترجمه سیدحمیدرضا حسنی، مهدی علی پور، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۲.
۵. حسینیان، اخلاق در مشاوره و روانشناسی، تهران، کمال تربیت، ۱۳۸۵.
۶. حکیمی، محمد رضا، حماسه الغدیر، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.
۷. خنیفر، حسین؛ حامد بردبار؛ فریبا فروغی قمی، تبیین مؤلفه های اخلاقی و فرهنگی در پژوهش، سال دوم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۰.
۸. زاگال، هکتور، گالیندو، خوزه. (۱۳۸۶) دآوری اخلاقی؛ فلسفه اخلاق چیست؟ ترجمه حیدری علی احمد، تهران، زرین کوب، عبدالحسین، یادداشتها و اندیشه ها، تهران، اساطیر، ۱۳۷۱.
۱۰. زنجانی میرزا ابوطالب، کیمیای سعادت، ترجمه طهارة الاعراق ابوعلی مسکویه رازی، مقدمه و تصحیح دکتر ابوالقاسم امامی، تهران، دفتر نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۵.
۱۱. زنجانی، میرزا ابوطالب، کیمیای سعادت، ترجمه طهارة الاعراق ابوعلی مسکویه رازی، مقدمه و تصحیح ابوالقاسم امامی، تهران، نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۵.
۱۲. زیدان، عبدالکریم، اصول الدعوة، بغداد، عراق، ۱۹۷۵.
۱۳. ژکس، فلسفه اخلاق، ترجمه ابوالقاسم پور حسینی، انتشارات سیمرغ، تهران، ایران، ۱۳۵۶.
۱۴. ساعد، محمدجعفر، اخلاق حرفه ای وکالت و رابطه آن با حقوق شهروندی، ماهنامه مدرسه حقوق کانون وکلای اصفهان، مهر ماه، ۱۳۹۰.
۱۵. شبر، عبدالله. الاخلاق، دققه جواد شبر، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۲.
۱۶. شیخ طوسی، محمد بن حسن، عده الاصول تحقیق انصاری، قم، ایران، بی تا.
۱۷. طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه النشر الاسلامی، قم ۱۴۱۷.
۱۸. عبدالحلیم محمود، فقه الدعوة الی الله، دار الوفاء الطبعة الاولى، ۱۴۱۰.

۱۹. فرامرز قراملکی، احد. «تبکیت بیرونی، آفت گفتگوی اثربخش»، مقالات و بررسیها، شماره ۶۸، ۱۳۷۹.
۲۰. فرامرز قراملکی، احد. اخلاق حرفه ای، تهران، مجنون، ۱۳۸۳.
۲۱. فرامرز قراملکی، احد. اصول و فنون پژوهش در گستره دین پژوهی، قم، مرکز مدیریت حوزه، علمیه.
۲۲. فرامرز قراملکی، احد. روش شناسی مطالعات دینی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۰.
۲۳. فرانکفورد، چاوا، نجمپاس دیوید، روشهای پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه فاضل لاریجانی و رضا فاضلی، تهران، سروش، ۱۳۸۱.
۲۴. فروغی، محمدعلی، سیر حکمت در اروپا، تصحیح امیرجلال الدین اعلم، تهران: البرز، سوم، ۱۳۷۹.
۲۵. فیومی، احمد بن محمد بن علی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم، ایران، ۱۳۸۳.
۲۶. فیض کاشانی، محسن، الحقائق فی محاسن الاخلاق، تصحیح سید ابراهیم میانجی، کتاب فروشی اسلامی، تهران، ایران، ۱۳۷۸.
۲۷. فیض کاشانی، محسن، المحجّة البیضاء فی تهذیب الاحیاء، تصحیح، علی اکبر غفاری، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، قم، ایران، بی تا.
۲۸. کرمی، خدابخش، اخلاق در پژوهش و نگارش، ویراستاری نصرالله امامی، تهران، رشد، ۱۳۸۰.
۲۹. محمد الری شهری، میزان الحکمة، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۵.
۳۰. مسعود بن عیسی ابوالحسین، شیخ ورام بن ابی فراس مالکی نخعی اشتری، تنبیه الخواطر و نزهة الخواطر المعروف بمجموعه ورام، چاپ علی اصغر حامد، تهران، ۱۳۷۶ق.
۳۱. مسکویه، احمد بن محمد بن یعقوب الرازی، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، چاپ سوم، بیدار، قم، ۱۴۱۱.
۳۲. مولوی، جلال الدین محمد، مثنوی معنوی، تصحیح نیکلسون، تهران.
۳۳. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، تحقیق السید محمد کلانتر، الطبعة الثانية، منشورات جامعة النجف الدینیة، النجف، عراق، ۱۳۶۸.